

امان از این مهمان ناخوانده

هجوم توفان‌های ریزگرد، زندگی عادی مردم را تحت تاثیر مستقیم خود قرار داده است ...



هجوم توفان‌های ریزگرد، زندگی عادی مردم را تحت تاثیر مستقیم خود قرار داده است
امان از این مهمان ناخوانده

جام جم آنلاین: سال‌هاست استان‌های جنوبی و غربی کشور، درگیر معضلی به نام بحران گرد و غبار است که طی سال‌های اخیر به نام ریزگرد شناخته شده و سوغاتی‌ای از سوی مناطق بیابانی کشورهای همسایه مانند سوریه، عربستان و عراق است و به تعطیلی‌های پی‌درپی ادارات و مدارس در شهرها انجامیده است.

این ذرات ریز 2 تا 5/5 میکرونی که حاصل ترکیب گرد و غبار با آلاینده‌های شهری است، به صورت توده‌ای انبوه از غبار در فضا پخش شده و قادرند شبیه یک مه غلیظ، افق دید را حتی تا کیلومترها محدود کند. استان‌هایی مانند خوزستان، کردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان و بوشهر از استان‌هایی هستند که بشدت با هجوم این پدیده مواجه‌اند.

مردم در بیشتر این استان‌ها، بدون استفاده از ماسک قادر به تردد در سطح شهرها نیستند و به تعطیلی‌های پیاپی ناشی از خطر آلودگی هوا عادت کرده‌اند. در چنین شرایطی خروج افراد بخصوص بیماران، کهنسالان، مادران باردار، نوزادان و خردسالان از خانه، آنها را در معرض خطرات جدی قرار خواهد داد؛ چراکه ریزگردهای نادیدنی در عین این که حامل مقدار زیادی باکتری هستند، می‌توانند از طریق تنفس به خون راه یابند. کار به جایی می‌رسد که گاه حتی پروازها نیز کنسل می‌شود.

ذرات بی‌مقداری که شاید با چشم غیرمسلح نتوان آنها را دید، اما هوا را چنان تیره و تار می‌کنند که دید مختل می‌شود و نتیجه حجم قابل توجهی از غبار است که بر زندگی مردم می‌نشیند.

طبق گزارش خبرگزاری‌ها از هجوم آخرین ریزگردها در ایلام، مردم قادر نبودند حتی برای تامین کوچک‌ترین نیاز خود به بیرون از خانه بروند. گرد و غبار موجود در هوای خرم‌آباد، 18 برابر بیشتر از حد مجاز بود، به طوری که سفیدکوه را نمی‌شد از مرکز شهر دید.

سال‌ها قبل منبع اصلی این پدیده در ایران، باد شمال بود که با وزش در شمال خاورمیانه، از کوه‌های ترکیه و شمال عراق می‌گذشت و پس از ورود به بیابان‌های عراق و سوریه تا خلیج فارس پیشروی می‌کرد، اما در سال‌های اخیر و بخصوص دو سال گذشته ریزگردها نه تنها از شهرهای جنوبی و غربی مانند خوزستان و کردستان گذشته‌اند، بلکه شهرهای میانی را نیز درگیر خود کرده و به پایتخت کشور هم هجوم آورده‌اند.

پدیده ریزگرد تا چند سال قبل برای بسیاری از مردم ایران ناشناخته بود، اما اکنون بیش از 21 استان کشور را درگیر خود کرده است. دیگر حتی مردم استان تهران نیز بخوبی با این پدیده آشنا هستند و نمی‌توان تمام تقصیرها را متوجه باد شمال و گرد و غبار کشورهای همسایه دانست. باید پذیرفت عواملی از قبیل تخریب طبیعت، از بین رفتن پوشش‌های گیاهی، جنگل‌زدایی، ایجاد فشار مضاعف بر سفره‌های آب زیرزمینی و بخصوص خشکیدن تالاب‌ها و سدسازی‌های دائم برای رقابت با کشورهای مثل چین نیز به فراخواندن این مهمان بد قدم به شهرهای ما کمک کرده است؛ مهمانی که ثابت کرده هرازگاهی به ما سر خواهد زد، بنابراین لازم است برای جلوگیری از ورودش چاره‌ای جدی اندیشید.

منشأ خارجی و داخلی ریزگردها

مدت‌های طولانی است که سرزمین‌های عراق، سوریه، عربستان، ترکیه و اردن، از سوی مسئولان و کارشناسان محیط زیست کشور به عنوان منشأ خارجی ایجاد گرد و غبار در ایران شناسایی شده‌اند، اما عراق در میان این کشورها با داشتن یک میلیون و 800 هزار هکتار کانون بحرانی ایجاد ریزگرد، از جایگاه خاصی برخوردار است، چنانچه 75 درصد گرد و غبارهای خارجی را به این کشور نسبت می‌دهند و استان‌های هم‌مرز با آن در ایران نیز از تیررس هجوم این ذرات در امان نیستند.

بنا بر اعلام رسمی رئیس سازمان محیط زیست در سال جاری، ایران قرارداد پنج‌ساله‌ای با کشور عراق امضا کرد که به موجب آن موظف به انجام عملیات تثبیت شن و آموزش نیرو در این کشور شد، اما به دلیل فراهم نیامدن امنیت لازم برای ورود نیروهای ایرانی و پرداخت نشدن وجه مذکور در قرارداد، اجرای این طرح به تعلیق درآمده و هنوز کشور عراق در این زمینه همکاری‌های لازم را با ایران نداشته است.

منشأ داخلی این پدیده در ابتدای امر، به وجود 32 میلیون هکتار بیابان در ایران برمیگردد. در چنین شرایطی سدسازی‌های بی‌رویه و خشکیدن تالاب‌ها نیز به عنوان دو کانون افزایش ایجاد ریزگرد در کشور مزید بر علت شده‌اند.

به گفته کارشناسان، در شرایطی که عمق سفره‌های آب زیرزمینی 15 متر فرو نشسته و با تأخیر زیاد ذخایر آبی روبه‌رو هستیم، ساخت و ساز سد تنها باعث می‌شود سدی مثل 15 خرداد در قم، ماهانه چیزی حدود شش تن رسوبات به بار بیاورد.

وضعیت تالاب‌ها نیز چندان تعریفی ندارد به گفته یکی از رسانه‌ها، تالاب انزلی زمانی که به فهرست رامسر اضافه شد وسعتی حدود ۲۱ هزار هکتار داشت، اما در حال حاضر حدود ۱۲ هکتار وسعت دارد و شرایط آن به دلیل کاهش آب و آلودگی‌های موجود در آن، مناسب نیست.

هامون با مساحتی بالغ بر 240 هزار هکتار، به صورت باتلاق درآمدی است، بختگان به کلی خشکیده و گاوخونی با کم شدن میزان انتقال آب از زاینده‌رود، به سرنوشت دیگر تالاب‌ها دچار شده است. در مجموع با وجود خشک شدن چیزی حدود 400 هزار هکتار از تالاب‌هایی مثل انزلی، هامون، ارومیه، هورالعظیم، نیریز، شادگان و بختگان، حرکت رسوبات حاصل از این خشکیدگی‌ها توسط باد و ایجاد ریزگرد واضح است.

در ابتدای ورود ریزگردها، از اصطلاح ریزگردهای عربی استفاده می‌شد. این اصطلاح چندان هم بی‌راه نیست، اما اکنون پذیرفته شده که منشأ داخلی این پدیده نیز در هجوم گاه و بی‌گاه آن سهم بسزایی دارد. چنانچه محمدجواد محمدی‌زاده، مدیر سازمان محیط زیست، در همایش مدیریت و مهندسی تالاب‌ها به طور رسمی اعلام کرد از این پس ساخت و ساز سد نخواهیم داشت و هر گونه بهره‌برداری صنعتی از تالاب‌ها نیز مطلقاً ممنوع است.

ریزگرد، عامل ابتلا به بیماری‌های تنفسی

کارشناسان علاوه بر هشدار در مورد خطر ابتلا به بیماری‌های تنفسی، به بیماران مبتلا به آسم و آلرژی، بیماران ریوی و قلبی نیز توصیه می‌کنند تا حد امکان در محیط‌های بسته بمانند و برای حضور در محیط‌های روباز نیز حتماً از ماسک استفاده کنند. کاهش دید، تصادفات زمینی و هوایی، آلودگی سطوح شهرها و اماکن سیاحتی، از دیگر عواقب وجود ریزگردهاست. این پدیده علاوه بر آثار مخرب بر سلامت انسان، به جانوران و پوشش‌های گیاهی نیز آسیب می‌زند. برای نمونه، زنبور عسل به‌جای جمع‌آوری گرده گل، گرد و غبار نشسته بر گل را جمع می‌کند که هم برای زنبور و هم برای صنعت زنبور عسل کشور خطرناک است. همچنین بر رشد گیاهان و گرده‌افشانی گل‌ها نیز تأثیر نامطلوبی گذاشته و از میوه‌دهی درختان جلوگیری می‌کند.

باید پذیرفت ریزگردها، چه خارجی و چه داخلی، با زندگی مردم کشور در جدال هستند و احتیاج به چاره‌اندیشی جدی دارند، اما این طور که پیداست و با استناد به اعلام کارشناسان مبنی بر احتیاج به حداقل ده سال زمان برای مقابله با این پدیده، واضح است این ذرات کوچک با تأثیرات بزرگشان، تا سال‌ها بعد نیز مهمان ماندگار شهرهای ما خواهند بود.

فاطمه رمضانیان / جام جم